گفت‌وگوی «جوان» با مهران مهرنیا موسیقیدان، درباره دستاوردهای ۳۴ دوره جشنواره

جشنواره فجر هیچ تأثیر مثبتی بر موسیقی ایران ندارد

■ زینب امجدیان

مهران مهرنیا، نواساز و نوازنده و مدرس تار و سه تار، متولد ۱۳۴۸ همدان است. کار موسیقی را با سه تار آغاز کرد. نواختن سه تار و تار را نزد محمدرضا لطفی آموخت. سپس گروه همایون را به منظور بازسازی تصنیف‌های قدیمی ایران تأسیس و به همراه این گروه کنسرت‌های متعددی را اجرا کرد. مهرنیا تصنیف‌های عبدالله طالع همدانی را گردآوری کرد و پس از اجرا در چند کنسرت، آن را با عنوان «طالع مهر» تنظیم نمود. وی در سال ۹۶ گروه مهرنیا را تشکیل داد و با این نام در جشنواره موسیقی فجر هم شرکت کرد. او اجرا در چند کشور خارجی را هم در کارنامه خود دارد. با مهرنیا درباره دستاوردهای ۳۴ دوره جشنواره موسیقی فجر در ایران به گفت‌وگو نشستیم.

دستاوردهای این ۳۴ دوره جشنواره موسیقی فجر را چطور ارزیابی می‌کنید، این رویداد چه تأثیری در ارتقای موسیقی کشور داشته است؟

می‌توانم از دو جنبه به جشنواره‌های موسیقی فجر نگاه کنم. یک جنبه، نگاه کلی به همه ادوار این جشنواره است و جنبه دیگر اینکه فقط بخواهیم به آخرین دوره جشنواره که اخیراً برگزار شد، بپردازیم و نقاط قوت و ضعف و دستاوردهای آن را مورد بررسی قرار دهیم. از نظر کلی به نظرم جشنواره‌ها هیچ تأثیر مثبتی روی عملکرد و اتفاقات موسیقایی ایران ندارد و بیشتر شبیه یک نوع رانت است. رانت برای گروه‌هایی که بدون دغدغه، مجوز یا سالن می‌گیرند و بلیت می‌فروشند و برنامه‌هایشان را اجرا می‌کنند. همین موجب می‌شود که خیلی از آنها به کیفیت آثارشان کمتر توجه کنند. و از آن مهم‌تر اینکه خیلی از گروه‌ها، دغدغه موضوع اصلی جشنواره را هم ندارند. به موضوعاتی از قبیل آزادی‌خواهی و دیگر پیام‌هایی که انقلاب داشته و اساساً برای آنها انقلاب شده است، هم بی‌توجه هستند و عملاً آنها کنار گذاشته می‌شوند. من پیشنهاد می‌کنم به مرور این جشنواره از قالب یک جشنواره به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی خارج شود. چون عملکرد متناسب با شأن انقلاب در آن موضوعیت ندارد. اجراها به موضوع جشنواره فجر انقلاب ربط ندارد. این کلیت جشنواره در سال‌های گذشته بود اما آخرین دوره جشنواره که بهمن ماه ۹۷ برگزار شد، یک حسن داشت و آن انتشار آیین‌نامه اجرایی جشنواره از ابتدا بود. از اینکه اولین سالی بود که جشنواره صاحب آیین‌نامه شد، خیلی خوشحال شدم. خصوصاً اینکه آیین‌نامه را خواندم و دیدم وجوه مثبت و خوبی دارد و مهم‌ترین وجه آن رعایت عدالت برای شرکت گروه‌ها بود. گروه‌ها باید آثارشان را می‌فرستادند، بعد یک هیئت انتخاب آثار منتخب برای اجرا را انتخاب می‌کرد. اما متأسفانه طی یک روند بسیار عجیب و غریب دوباره جشنواره به سمت همان سیستمی که سال‌ها بود، رفت. یعنی با کمال تأسف ۷۰ درصد گروه‌ها باز هم با لابی‌گری و این‌طور چیزها انتخاب شدند و عملاً جشنواره با همان سیستم قبلی و بدون توجه به آیین‌نامه اجرا شد.

برخی می‌گویند حذف جایزه باربد از جشنواره اشتباه بوده و اعتبار جشنواره را با چالش جدی مواجه کرده است.

این‌طور جایزه‌ها و هر امتیاز دیگری حداقل در بخش موسیقی بر اساس عدالت و انصاف داده نمی‌شد. یعنی حتی اگر آن جایزه بود مثلاً جایزه باربد را ببرم. چون می‌دانستم گرفتن این جایزه یک مناسبات و روابط خاصی می‌خواهد که من ندارم یا نمی‌خواهم داشته باشم.

متأسفانه طی یک روند بسیار عجیب و غریب دوباره جشنواره به سمت همان سیستمی که سال‌ها بود، رفت. یعنی با کمال تأسف ۷۰ درصد گروه‌ها باز هم با لابی‌گری و این‌طور چیزها انتخاب شدند و عملاً جشنواره با همان سیستم قبلی و بدون توجه به آیین‌نامه اجرا شد

مثل جایزه‌های دیگر در بخش موسیقی کشور معمولاً بر اساس یک سری ملاحظات -اگر نگوییم لابی‌گری- اهدا می‌شد. البته نمی‌خواهم بگویم اهدای جایزه در همه فستیوال‌های دنیا بر اساس عدالت است و اینجا این‌گونه نیست اما باید بگویم شدت آن در ایران خیلی زیاد است. به نظرم وجود آن جایزه هم نقش زیادی در کیفیت آثار و رقابتی شدن جشنواره نداشت. یک فکر اساسی باید کرد. این نگاه رانتی را در نطفه کنار بگذاریم. باید شوراهایی تشکیل شود، آثار را بدون اینکه بدانند برای چه کسی است، ببینند و بررسی کنند. حتی به نظرم به جای شنیدن آثار فارسی تورها را بتوانند بخوانند و ببینند تا هیچ تأثیری از جهت شناخت گروه‌ها و سرپرست و خواننده وجود نداشته باشد. آن زمان می‌توان امید داشت که یک جشنواره رقابتی قابل قبول و باکیفیت را شاهد خواهیم بود و هر سال امید داشته باشیم که بهتر هم شود.

بالاخره وجود جوایز انگیزه اهالی موسیقی را برای حضور در جشنواره افزایش می‌دهد.

فکر نمی‌کنم. من و دوستان دیگر در فستیوال‌هایی جایزه گرفتیم. در سال ۸۶ من برگزیده شدم، اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم اگر برای جشنواره فجر اثری بفرستم، جایزه بگیرم. بالایی از گروه‌ها به این شیوه وارد جشنواره شدند. این عملاً انگیزه‌ها را برای تلاش و رقابت سالم کم می‌کند. همه پس می‌کشند. لذا هر سال هم سطح کارها پایین‌تر می‌آید. یعنی کسی از فروردین نمی‌آید که بنشیند و کار بنویسد و تمرین کند تا در جشنواره بهمن ماه ارائه دهد. هر کدام از این گروه‌های حاضر در جشنواره را که می‌بینید کاری که برای جشنواره انجام داده باشند را ارائه ندادند، همه کارهای قدیمی‌شان را آوردند تا پولی از آن در جشنواره کسب کنند.

سی و چهارمین دوره جشنواره موسیقی فجر یکی از کوتاه‌ترین دوره‌های خود را طی کرد. شش روز برای اجرای بالای ۸۰ گروه موسیقی در ۸ تالار شهر تهران. چرا این‌قدر محدود؟

می‌گویند انجام ندادن یک کار، از بد انجام دادن آن بهتر است. دوستان ما درست می‌گویند که محدودیت‌های زمانی داشتند به خاطر ایام فاطمیه(س) و مناسبت‌هایی که وجود داشت و ناچار بودند در زمانی محدود جشنواره را جمع و جور کنند، اما این به کلیت کار صدمه می‌زند. اگر دوستان در رده‌های بالا نمی‌توانند رایزنی کنند تا جشنواره در زمان و شرایط بهتری برگزار شود بهتر است اصلاً برگزار نکنند. اگر یک سال جشنواره نداشته باشیم چه اتفاقی می‌افتد؟ جشنواره تا الان چه گلی به سر ما زده که نگران برگزار نشدن آن در یک سال باشیم! اگر نمی‌توانند کیفیت را ارتقا دهند و مسیر خودشان را اصلاح کنند، خب انجام ندهند. دست‌اندرکاران جشنواره با این کار و با این اجرای نصفه و نیمه به اعتبار هنری و مدیریتی خودشان آسیب زدند.

البته موسیقی نواحی گویا با کیفیت بهتری برگزار شد. با توجه به حضور وزیر ارشاد و دیدن اجراها، آیا می‌توان گفت سیاست این وزارتخانه تقویت این موسیقی است؟

در برخی سال‌ها انجمن‌های موسیقی، پایگاه خیلی خیلی خوبی برای حمایت از موسیقی نواحی بودند. این انجمن‌ها بودجه و درآمدهایی داشتند و سیستم آنها به گونه‌ای بود که می‌توانستند، حمایت کنند. اما الان انجمن‌های موسیقی عملاً فشل و درمانده هستند، بودجه و درآمد ندارند، البته اکثر اعضای انجمن در انجمن موسیقی تهران و استان‌ها علاقه‌مند و عاشق کار خود هستند و دلشان می‌خواهد کاری بکنند، اما توانش را ندارند. اما وزیر اگر می‌خواهد حمایت کند با حضور در یک اجرا و صحبت و مصاحبه نمی‌تواند این کار را پیش ببرد. باید تکلیف موسیقی نواحی را روشن کند. اگر اینها زیرمجموعه ارشاد هستند باید دید بودجه و امکانات چطور توزیع می‌شود. اگر زیر نظر انجمن هستند چرا این انجمن بودجه ندارد. یک جایی باید مشخص بشود، در واقع ساز و کاری باید نهادینه شود، تا نواحی بروند و پیگیری کنند، پژوهش کنند، استادها را پیدا کنند، این اساتید خودشان را به ما معرفی نمی‌کنند، ما باید برویم و پیدایشان کنیم و آنها را به سیستم آموزشی وصل کنیم. به نظرم آن زمانی که انجمن موسیقی قوت و بنیه و بودجه داشت، کارها بهتر پیش می‌رفت تا الان.

ارزیابی شما از حضور گروه‌های خارجی در جشنواره چیست؟

من اجرای گروه‌های خارجی را ندیدم اما ما یک چیز ساده در اقتصاد هنر داریم که اگر من به یک فستیوال خارجی دعوت شدم، یک دستمزد حداقلی دارم. استانداردی برای دستمزد حضورم وجود دارد و این را اعلام می‌کنم تا اگر مسئولان فستیوال یا همان جشنواره قبول کنند، مرا دعوت می‌کنند. حالا با توجه بودجه جشنواره موسیقی و تغییرات نرخ دلار، به‌طور طبیعی جشنواره توان دعوت از گروه‌های معتبر و قوی را نداشته است. حداقل این توان کمتر از سال‌های گذشته بود اما در هر حال چون من ندیدم، نمی‌توانم کارهایشان را قضاوت کنم. اما با این استدلال که من از وضعیت بودجه جشنواره و نرخ دلار گفتم، بعید می‌دانم توانسته باشند از گروه‌های قابل توجه‌ای دعوت کنند! اگر این‌طور نبوده و گروه‌های خارجی که آوردند قوی و معتبر بوده و اجراهای خوبی هم داشتند، واقعاً باید گفت این نشانه توان مدیریت و روابط عمومی خوبشان بوده است.

شما یکی از منتقدان جشنواره موسیقی هستید. مسئولان چقدر از انتقادات شما استقبال می‌کنند؟

موضوعی که برایم عجیب است این است که حتی در دنیای سیاست هم خیلی راحت درک می‌کنند که هدف از نقد، اشخاص و شخصیت‌ها نیستند، یعنی جناح‌های مختلف حاکمیتی و دولتی وقتی سیاست‌های یکدیگر را نقد می‌کنند، می‌دانند که هدف طرف مقابل از نقد، شخصی نیست اما ما در موسیقی این مشکل درک درست نقد را داریم. من اگر نقدی به جشنواره وارد می‌کنم، به شخص کار ندارم، من به ساختار نقد دارم اما هنوز این فهمیده نشده است. مواجهه برخی از دوستان من در تیم مدیریت اجرایی جشنواره با نقدهای من این‌گونه است که انگار من با شخص خاصی درگیری دارم. اگر در عالم موسیقی این نکته فهم شود خیلی خوب است. اگر نقد به سیستمی وارد می‌کنیم، هدف ما تخریب یا تحقیر یک شخص یا یک سیستم نیست، هدف این است که این کار در سال‌های آینده به نحو بهتری انجام شود، همین.

مثلاً من به انتخاب دبیر هنری جشنواره انتقاد داشتم. به نظر من یکی از نامناسب‌ترین گزینه‌های طراحی هنری جشنواره بود. چون تقریباً مورد وثوق هیچ بخشی از موسیقی ایران نیستند. موزیسین‌های ایرانی اصلاً قبول ندارند، در موسیقی نواحی هم که هیچ جایی ندارند، موزیسین‌های کلاسیک غربی در ایران هم ایشان را خیلی قبول ندارند. دبیر هنری یک جشنواره باید مورد وثوق قاطبه اهالی موسیقی باشد.

نگاهی به «هویت من در گذر زمان»!

■ حسن روانشید*

می‌گویند اگر آدم و حوا به تحریک شیطان از فرمان الهی سرپیچی نمی‌کردند و به حریم‌های روضه رضوان احترام می‌گذاشتند و ابلیس را از خود دور می‌کردند قطعاً هنوز هم در آن جایگاه ملکوتی حضور داشتند و اینکه هویت انسان از چنین مقطعی شروع می‌شود تا همه‌چیز را درس عبرتی برای خود بداند و همیشه به یاد داشته باشد تا مسیر را به‌غلط طی نکند. در طول بلندای سپری شده از دوران آدم تا خاتم همه کسانی که مدعی رسالت بودند با امتحانات سختی روبه‌رو می‌شدند که معدودی توانستند ابراهیم باشند و اسماعیل را با دست خود به مسلخ ببرند و مقامی را برای طواف به‌جا بگذارند و در نهایت روسفید برگشته و باز هم علی‌گونه فزت و رب الکعبه را بخوانند تا همان‌گونه که در کعبه متولد شده‌اند در محراب هم به شهادت برسند و این‌گونه میراث خود را به فرزندان بسپارند تا ادامه یابد و مستمر باشد که در طول دوران صفحاتی از تاریخ را روشنایی بخشد و هویتی بماند برای آیندگان و خرداد ۴۲ را بیافریند که نطفه‌هایی در آن بسته و گهواره‌هایی تکان داده شود که در میان آن هاله‌هایی از نور خوابیده باشند تا در سال ۵۷ یوم‌الله ۲۲ بهمن را تجلی نمایند و گروهی از ساکنان همان گهواره‌ها در راستای به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به شهادت برسند و این امر تداوم داشته باشد تا امانت به شهدای مدافع حرم تحویل شود و دست به دست به صاحب اصلی آن حضرت مهدی(عج) اعاده شود.

هویت من و شما و آنهایی که منصفانه به روند این گذار اعتنا و اعتقاد دارند چیزی جز به دست آوردن فیض شهادت نیست و الگوی این مسیر هم در گلستان‌های شهدا و یادمان‌های هویزه و دشت عباس و حوالی حرمین پیدا می‌شود. حالا اگر این تیتر باارزش در بعضی از مکان‌ها و زمان‌ها به تاراج می‌رود حرف دیگری در میان است که بوی سند ۲۰۳۰ را می‌دهد نه هویت اصلی ما.

برگزاری شبه جشنواره‌ای تحت عنوان «هویت من در گذر تاریخ» را در یکی از هنرستان‌های دخترانه کشور که ساختمان آن حاصل ایثار مالی یکی از این هویت‌های خیر است، نمی‌توان با برگزاری این‌گونه مراسم تخریب کرد و به حاشیه فرستاد زیرا این متولیان و بنیانگذاران تفکرات دیگری که شایسته لقب ایثار است را در سر می‌پرورانند و به آن اعتقاد دارند نه فلسفه‌های پوپولیستی که کلیپ یک خواننده زیرزمینی خارج از کشور را در بعضی از پیش‌دبستانی‌ها و دبستان‌های کشور به‌عنوان زنگ ورزش به خورد کودکان و نوجوانان می‌دهند! ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح روز یک‌شنبه ۱۵ اردیبهشت مصادف با ۲۹ شعبان است که به روایتی قرار بود فردایش اولین روز ماه مبارک رمضان باشد.

تعدادی از مدیران و فرهنگیان مرد و زن به دعوت مدیر به هنرستان آمده‌اند تا به تماشای جشنواره‌ای بنشینند که ۱۵ نفر از هنرجویان دختر با لباس‌های محلی اقوام مختلف که هر کدام ویژگی خاص خود را داشت در غرفه‌ای ظاهر می‌شوند و مورد تشویق مدعوین که اکثراً آقایان هستند قرار می‌گیرند! و در ادامه مهمانان به تونلی راهنمایی می‌شوند که در آن تاریخ ایران را از بدو پیدایش تا زمان معاصر به نمایش می‌گذارد که به چند بخش پیش از اسلام، دوره اسلامی، هجوم مغول‌ها، افشاریه و دوران معاصر تقسیم شده است که برای هر دوره نمادهای شاخص آن را طراحی و به‌صورت ماکت یا نقاشی و چاپ روی پارچه به نمایش گذاشته بودند.

در هر یک از غرفه‌ها که نشان از ایده‌پردازی حساب‌شده بود توسط یکی از هنرجویان برای بازدیدکنندگان محدود توضیح داده می‌شد اما مقطع بعدی این فستیوال کارناوال‌گونه مماس با آخرین لحظات ورود به ماه مبارک رمضان که فصل تلاوت قرآن لقب دارد در سالن هنرستان اتفاق می‌افتد که اجرای نمایشی است توسط هنرجویان آن.

هر یک از نقش‌آفرینان استادانه شخصیتی از عبور تاریخ را ارائه دهند که بیشتر به یک تئاتر حرفه‌ای و برنامه‌ریزی‌شده فارغ از فعالیت‌های دانش‌آموزی شباهت داشت! به‌رغم اینکه این کارناوال فستیوال‌گونه اما جشنواره نام‌گرفته، طی ماه‌های اسفند و فروردین و اردیبهشت به‌کرات تکرار شده بود ولی برگزاری اختتامیه آن در زمانی ویژه یعنی یک روز قبل از آغاز تقویمی ماه رمضان اگرچه به نظر می‌رسید از ظرفیت یک هنرستان دخترانه افزون باشد اما تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه یافت و مدعوین خاص را نیز تا آخرین دقایق با خود به همراه داشت!

*روزنامه‌نگار پیشکسوت

«شریعتی بدون روتوش» آماده نمایش می‌شود

تازه‌ترین ساخته خانه مستند انقلاب اسلامی با عنوان «شریعتی بدون روتوش» به زودی آماده نمایش می‌شود.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی خانه مستند، مستند سینمایی «شریعتی بدون روتوش» به کارگردانی محمد سمیع‌پور و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر در حال حاضر در مراحل فنی است و به زودی آماده نمایش می‌شود. این مستند سعی کرده زندگی دکتر علی شریعتی را از دریچه ذهن خانواده، دوستان و شاگردان او بررسی کند و آنها درباره زندگی، دغدغه‌ها، باورها، سفرها، سخنرانی‌ها و بسیاری از ویژگی‌های زندگی دکتر شریعتی سخن می‌گویند. مستند سینمایی «شریعتی بدون روتوش» تلاش کرده تصویری عینی و واقعی از دکتر علی شریعتی به تصویر بکشد و به همین منظور تمام کسانی که در این مستند از شریعتی صحبت می‌کنند، مشاهداتی که خود از وی دیده‌اند را مطرح خواهند کرد و حرفی از شنیده‌هایشان به میان نمی‌آورند. این مستند سینمایی که محصول خانه مستند انقلاب اسلامی است، در دو نسخه سینمایی و تلویزیونی تولید می‌شود که نسخه سینمایی آن ۷۰ دقیقه و نسخه تلویزیونی آن ۵ قسمت خواهد بود.

شناسه آگهی: ۴۶۱۹۵۲

نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق تبریز «سهامی خاص»

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

– موضوع: خرید ۱۵ دستگاه تابلوی ۲۰ کیلو ولت NNQ از نوع AIS و ۴۰ دستگاه تابلوی ۲۰ کیلو ولت N، ۲۰ دستگاه تابلوی ۲۰ کیلو ولت Q

– مدت تحویل اقلام موضوع مناقصه: یکسال از تاریخ ابلاغ قرارداد

– دستگاه مناقصه گزار: شرکت توزیع نیروی برق تبریز

– مهلت فروش اسناد: از تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۳ لغایت ۱۳۹۸/۳/۱

– مبلغ تضمین شرکت برای کل موضوع مناقصه: ۵۲۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که در صورت شرکت برای هرگروه به شرح اسناد مناقصه می‌باشد.

– محل فروش اسناد: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل، ساختمان شهید عباسپور، بلوک ۲، نیم طبقه دوم واحد ۲۰۷ آقای بهرامی

تبریز: کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول قطران، ساختمان ستادی شرکت توزیع نیروی برق تبریز، طبقه چهارم اداره مناقصات

– مبلغ فروش اسناد: مبلغ فروش اسناد سیصد هزار ریال قابل واریز به شماره حساب ۱۳۰۲۸۱۰۲۰۲۱۱ بنام شرکت توزیع نیروی برق تبریز نزد بانک سرمایه شعبه تبریز واقع در کوی ولیعصر، فلکه بارنج

– تحویل اسناد با ارائه مستندات واریز وجه و با ارائه معرفینامه کتبی خواهد بود.

– مهلت و محل تحویل پیشنهادات: آخرین مهلت تحویل پیشنهادات تا ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۳/۱۹ و محل تحویل پیشنهادات به دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تبریز به آدرس تبریز، کوی ولیعصر، خیابان نظامی، اول خیابان قطران، تلفن ۴۹-۳۳۳۲۸۹۵۰

– ساعت، روز و محل قرائت پیشنهادات: ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخه ۱۳۹۸/۳/۱۹ واقع در تبریز، کوی ولیعصر، خیابان نظامی اول قطران، ساختمان مرکزی شرکت توزیع نیروی برق تبریز، طبقه چهارم، دفتر امور تدارکات

– شرایط خاص: ارائه گواهی تایید صلاحیت از توانیر برای هر یک از اقلام الزامی است.

– آدرس‌های اینترنتی شرکت بدین شرح می‌باشد.

شرکت توزیع نیروی برق تبریز: http:// www.toztab.ir

پایگاه اطلاع رسانی مناقصه: www. iets.mporg.ir

سایت توانیر: www.tavanir.org.ir

درج آگهی در سایت فقط برای اطلاع‌رسانی بوده و مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد می‌بایست به آدرس‌های ذکر شده در آگهی روزنامه مراجعه فرمایند و دریافت اسناد از طریق اینترنت یا هر طریق دیگر غیر از خرید اسناد قابل قبول نمی‌باشد.

شرکت توزیع نیروی برق تبریز

ویژه تهران

فرم اشتراک روزنامه جوان

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.

۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.

۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.

۴. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.

۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: نام و نام خانوادگی: تلفن تماس:

نام شرکت یا موسسه: کدپستی الزامی است:

نشانی:

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۴۱۲/۵۰۰	۸۲۵/۰۰۰	۱/۲۳۷/۵۰۰	۱/۶۵۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، نرسیده به خیابان شهید مطهری، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰